

بررسی رفتار دینی و عوامل مرتبط با آن

درنوجوانان دبیرستان‌های کرمان

دکتر سید حمیدرضا علوی
دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی و بررسی رفتار دینی دانش‌آموزان دبیرستان‌های کرمان و همچنین بررسی میزان ارتباط جنسیت، نوع مدرسه و پایه تحصیلی دانش‌آموزان با رفتار دینی صورت گرفته است. سنجش میزان رابطه و همبستگی هر کدام از رفتارهای دینی با رفتار دینی دیگر نیز از جمله اهداف این پژوهش بوده است. روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی و ابزار جمع‌آوری، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که با توجه به فروع دین متناسب با سن نوجوان دبیرستانی طراحی گردید و روائی آن معادل ۰/۸۴ و پایانی آن، ۰/۹۵ محاسبه شد.

جامعه آماری مربوطه مشتمل بر ۹۴ دبیرستان (۵۰ دبیرستان دخترانه و ۴۴ دبیرستان پسرانه) بوده که تعداد ۲۷ دبیرستان دخترانه و پسرانه دولتی و غیرانتفاعی با روش نمونه‌گیری سیستماتیک از بین آنها انتخاب گردیده است و سپس با روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۱۵ نفر از دانش‌آموزان هر مدرسه جهت پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه انتخاب گردیدند. تعداد کل دانش‌آموزان انتخاب شده معادل ۴۰۵ نفر در نظر گرفته شد که از

۴۰۵ پرسشنامه توزیع شده، تعداد ۲۹۲ پرسشنامه برگشت داده شد و داده‌های آنها تحلیل گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از جداول فراوانی مطلق و فراوانی نسبی پاسخ‌های سؤالات پرسشنامه به منظور بررسی و شناسایی رفتار دینی دانش‌آموزان و با استفاده از ضرایب همبستگی اسپیرمن و پیرسرن به منظور کشف میزان ارتباط هر کدام از متغیرهای جنسیت، نوع مدرسه و پایه تحصیلی دانش‌آموزان با رفتار دینی آنان و همچنین شناسایی میزان ارتباط هر کدام از رفتارهای دینی با یکدیگر صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۹۲/۲٪ دانش‌آموزان رفتار دینی مطلوبی را از خود نشان می‌دهند و همچنین بین رفتار دینی و نوع مدرسه و جنسیت دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد ولی بین رفتار دینی دانش‌آموزان و پایه تحصیلی آنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی

رفتار، دین، رفتار دینی، نماز، روزه، تولی و تیری، امر به معروف و نهی از منکر.

مقدمه

«رفتار هر موجود زنده اساس حیات و مایه بقای اوست» (مینائی فر، ۱۳۵۴، ص ۱). رفتار، اصطلاحی کلی و پوششی برای اعمال، فعالیت‌ها، بازتاب‌ها، حرکات، فرآیندها و به طور خلاصه هر واکنش قابل سنجش ارگانیسم در ارتباط با موجودات انسانی است، این اصطلاح معمولاً به عملکرد فرد به عنوان یک واحد اطلاق می‌شود. انسان به طور معمول در واکنش به یک انگیزه یا تکانه عمل می‌کند اما واکنش کلی اوست که مفهوم رفتار را به وجود می‌آورد (پورافکاری، ۱۳۷۶، ص ۱۷۱) رفتار، عملی است که از فرد سر می‌زند یا سخنی که بر زبان می‌آورد؛ اما در روان‌شناسی رفتاری این اصطلاح دقیق‌تر تعریف می‌شود: «هر فعالیتی که ارگانیسم (جاندار) انجام می‌دهد و به وسیله ارگانیسمی دیگر یا یک ابزار اندازه‌گیری، قابل مشاهده یا اندازه‌گیری است» (رس، ۱۹۷۸، ص ۱۳).

بنابراین، رفتار هم شامل حرکات بیرونی می‌شود (مانند حرکات سر و دست، سخن گفتن، نوشتن و...)، هم شامل حرکات درونی (مانند ضربان قلب، اتساع شرایین و...) و هم شامل فعالیت غددی (مانند ترشح بزاق دهان یا ترشح هورمون). اصطلاح دیگر که مترادف با رفتار به کار می‌رود پاسخ است. پاسخ نیز مانند رفتار به فعالیت‌های مشاهده‌پذیر و اندازه‌پذیر جانداران گفته می‌شود. با این حال، رفتار کلی‌تر از پاسخ فرض می‌شود. معمولاً یک رفتار از مجموعه‌های پاسخ تشکیل می‌شود (سیف، ۱۳۷۳). واحد رفتار فعالیت است. در واقع همه رفتارها یک سری فعالیت‌ها هستند. همه ما در مقام انسان در حال انجام کاری هستیم. قدم می‌زنیم، صحبت می‌کنیم، می‌خوریم، می‌خواهیم، کار می‌کنیم و... بسیاری از مواقع هر بار بیش از یک عمل انجام می‌دهیم. هر لحظه ممکن است تصمیم بگیریم که یک فعالیت یا جمعی از فعالیت‌ها را با فعالیت دیگری مبادله کنیم و به کار دیگری پردازیم (بلانچارد، ۱۳۷۸، ص ۲۰-۱۹).

رفتار دینی

در ارتباط با اعمال دینی (مناسک) نمازهای روزانه، روزه گرفتن، خواندن قرآن، شرکت

در مراسم جشن و عزا در مساجد و یا سایر اماکن دینی به طور اکید توصیه می‌شود. این فعالیت‌ها می‌توانند برای ساختن بُعد مناسکی اسلام مورد استفاده قرار گیرند (هیمل فارب، ۱۹۴۵، به نقل از رستمی گوهری، ۱۳۸۱). برخی از دانشمندان علوم اجتماعی دینداری یا وابستگی به مذهب را دارای حداقل دو بعد اجرایی «فرایض مذهبی» و «اعتقادات مذهبی» دانسته‌اند که اجرای فرایض مذهبی نماز، روزه و... به وسیله مشاهدات عملی آشکار خواهد شد و اعتقادات مذهبی از طریق پاسخ به سؤالات عقیدتی مکشوف خواهد گردید (رونزر، ۱۳۶۴، ص ۶۰) چارلز گلاک^۱، نیز دین را دارای چهار بُعد می‌داند:

۱. بعد تجربی یا عاطفی^۲: ناظر بر تجربیات معنوی فرد

۲. بعد ایدئولوژیک یا اعتقادی^۳: ناظر بر اعتقادات مذهبی

۳. بعد مناسکی^۴: ناظر بر اعمال و رفتارهای مذهبی

۴. بعد استنتاجی^۵ (پیامدی): ناظر به نتایج و اثرات اعمال مذهبی فرد

دو اس نیز معتقد است مذهبی بودن افراد دارای چهار بعد می‌باشد: ۱. حضور در کلیسا ۲. اعتقادات مذهبی ۳. تعهد یا اهمیت مذهب در زندگی ۴. الهام یا شهود مذهبی (دو اس، ترجمه ناییب، ۱۳۷۶).

از دیدگاه آلپورت (۱۹۵۰)، «جهت‌گیری مذهبی» به دو صورت «درونی» و «بیرونی» می‌باشد. وی قابل قبول‌ترین روش متمایز کردن این دو قطب را این می‌داند که بگوییم شخص با «مذهب بیرونی»^۶ مذهبش را به کار می‌گیرد، در صورتی که شخص دارای «مذهب درونی»^۷ با مذهبش زندگی می‌کند. پس مذهب درونی مذهبی فراگیر، دارای اصول سازمان یافته درونی شده است که خود غایت و هدف است نه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف (آلپورت و رس، ۱۹۶۷، کالدتسر، ۱۹۹۵. کلانینجر،

1. Glack

2. Religious feeling

3. Religious beliefs

4. Religious Practices

5. Religious effects

6. extrinsic Religion

7. Intrinsic Religion

۱۹۹۶، به نقل از رستمی گوهری، (۱۳۸۱).

از طریق روش‌های زیر می‌توان رفتار را مورد سنجش قرار داد:

۱. شاخص فاصله اجتماعی بوگاردوس^۱ که براساس طیف خاصی، پذیرش یا عدم پذیرش یک‌گروه را نسبت به گروه دیگر (نژاد، قومیت و...) مورد سنجش قرار می‌دهد.
۲. شاخص ترستون^۲ که در آن قضاوت‌های افراد براساس فاصله یا درجه‌بندی برابر ارزیابی می‌شود و آن را روش مقایسه دوگانه‌ها نیز نامیده‌اند.
۳. شاخص لیکرت^۳ که آن را روش تجانس درونی نیز گفته‌اند و به همبستگی میان عناصر مختلف سازنده شاخص تکیه دارد.

شاخص عوامل^۴ که براساس محاسبه همبستگی متقابل میان عبارات مختلف یک شاخص از ورود شاخص‌های غیرمرتبط با آن جلوگیری می‌کند و درنهایت ممکن می‌سازد که بتوانیم عامل یا عوامل مشترک میان همه یا برخی از عبارات را محاسبه کنیم (اوپنهایم، ۱۳۶۹).

از طرف دیگر، دین مفهومی است که می‌توان برای آن ابعاد مختلفی قائل شد. برخی دانشمندان علوم اجتماعی دینداری را داری دو بُعد اجرای فرایض مذهبی و اعتقاد مذهبی دانسته‌اند. اجرای فرایض مذهبی مثل نماز، روزه، مناجات و مناسک گوناگون به وسیله مشاهدات علمی آشکار خواهد شد.

اعتقادات مذهبی از طریق پاسخ به سؤالات عقیدتی مکشوف خواهد شد (رونژر، ۱۳۶۴، ص ۶۰).

اینگلهارت با ارائه شواهد تجربی متعدد به استفاده رایج محققان از معرف میزان حضور در کلیسا به عنوان شاخص باورها و گرایش دینی انتقاد می‌نماید و معرف حضور در کلیسا را فقط یک شاخص تقریبی از اعتقادات مذهبی دانسته و معتقد است

-
1. Bogurdus
 2. Thurstone
 3. Likert
 4. Factorical scale

که مذهبی بودن را نباید معادل انجام رفتارها، آداب و مناسک مذهبی دانست. وی اظهار می‌دارد که اگرچه آمارهای حضور در کلیسا به منزله شاخص تقریبی روندها در تغییر ایمان مذهبی بهتر از هیچ است، اما آنها مسلماً جانشین سنجش‌های مستقیم این اعتقادات نیستند (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۲۱۰).

کلود سوکلیف در اندازه‌گیری تدین یک مسلمان، رفتار دینی وی را اصل قرار داده و از آن به دفعاتی که انسان عادتاً در یک شبانه‌روز نماز می‌گذارد، تعبیر می‌کند و اشاره می‌کند که هر شاخص رفتاری به تنهایی برای اندازه‌گیری تدین کافی نیست چون رفتار دینی فقط یکی از ابعاد تدین است (کمال المنوفی، ۱۳۷۵، ص ۱۹).

به‌طور کلی از طریق ابزارهای مختلفی می‌توان رفتار دینی یا دینداری افراد را اندازه‌گیری کرد که این ابزارها به نام سازنده‌های آنها شناخته شده‌اند و مهمترین آنها عبارتند از:

۱. پرسشنامه درون‌سویی و برون‌سویی^۱ گوردون آلپورت ورس (۱۹۶۷-۱۸۹۷): آلپورت روان‌شناس برجسته آمریکایی در گستره‌های شخصیت و روان‌شناسی اجتماعی است. وی عمیقاً دیندار بود و خصوصاً در مورد نقش دین در زندگی مطالعه می‌کرد و در مورد دینداری نظریه‌پردازی کرده است. وی به کمک رس موفق به ساخت پرسشنامه‌ای برای سنجش جهت‌گیری دینی شد که دارای ۲۰ ماده و دو زیر مقیاس ۹ سؤالی (جهت‌گیری درونی) و ۱۱ سؤالی (جهت‌گیری بیرونی) می‌باشد (واتسن، ۱۳۷۷).
۲. مقیاس «نگرش مسیحیت»^۲ (۱۹۶۷) توسط فرانسیس بر مبنای مقیاس لیکرت، به صورت پنج درجه‌ای ساخته شد. این مقیاس نگرش افراد مسیحی را نسبت به مسیحیت می‌سنجد.

۳. مقیاس شفرد^۳ که توسط باست^۴ و همکاران در سال ۱۹۸۱ ساخته شد (به نقل از براون، ۱۹۸۷). این مقیاس بر مبنای شیوه نمره‌گذاری لیکرت و به منظور تمایزگذاری بین مسیحیان و غیرمسیحیان تهیه شده است. هر ماده از این مقیاس با توجه به متن

-
1. Intrinsic - Extrinsic orientation scale
 2. Francis scale of attitude toward christianity
 3. Shepherd scale
 4. Busset

کتاب مقدس تدوین شده است. این مقیاس تنها در دین مسیحیت کاربرد دارد.

۴. پرسشنامه فرافکن علوان آبادی (۱۳۵۲): این پرسشنامه بر مبنای اصول فرافکن تهیه شده که شامل ۲۰ سؤال کامل کردنی و ۵ سؤال حکایت به منظور مقیاس طرز فکر دانش آموزان دبیرستان‌های اسلامی و غیراسلامی تهران تهیه گردیده است.

۵. پرسشنامه سراج‌زاده که بر مبنای مدل گلاک استارک با توجه به ابعاد دین ساخته شده و در رابطه با بعد اعتقادی ۷ سؤال، بعد عاطفی ۶ سؤال، بعد مناسکی (رفتاری) ۷ سؤال و بعد پیامدی نیز ۶ سؤال داده شده است.

۶. پرسشنامه طالبان که در تحقیق «سنجش دینداری جوانان» مورد استفاده قرار گرفته است.

طالبان (۱۳۷۷) در تحقیقی با موضوع سنجش دینداری جوانان که نمونه آن دانش‌آموزان سال‌های اول و دوم و سوم دبیرستان‌های تهران بوده است، به این نتیجه رسیده که ۲/۶ درصد از افراد، دینداری ضعیفی دارند و در مقابل اکثریت قابل توجهی از افراد نمونه تحقیق (یعنی ۸۳ درصد) دینداریشان قوی ارزیابی شده است.

سراج‌زاده (۱۳۷۷) در تحقیقی با موضوع نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی که نمونه آن، دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های تهران بوده، به این نتیجه رسیده که باورها و عواطف دینی در بین جوانان نمونه مذکور از مقبولیت و عمومیت برخوردار بوده و تمایل به انجام عبادات به صورت فردی بیشتر از انجام عبادت به صورت جمعی (نظیر نمازجماعت و نمازجمعه) بوده است.

صباغ‌پور (۱۳۷۲) در پژوهش خود با موضوع نگرش دینی نوجوانان تهران که نمونه آن ۲۶۲ پسر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران بوده به این نتیجه رسیده که ۶۵ تا ۹۷ درصد نمونه تحقیق در سه بُعد دانش، احساسات و آمادگی برای عمل دینی در سطح بسیار پایینی قرار داشتند.

پوریوسفی (۱۹۸۴) در پژوهشی با موضوع گرایش دینی دانشجویان مسلمان مشغول به تحصیل در دانشگاه میشیگان آمریکا که نمونه آن دانشجویان مسلمان مشغول به تحصیل در دانشگاه میشیگان آمریکا بوده به این نتیجه رسیده که دانشجویان مشغول به

تحصیل در دانشگاه میشیگان آمریکا از گرایش دینی بالایی برخوردار بوده‌اند.

یحیی (۱۹۸۸) در تحقیق خود با موضوع میزان دینداری مسلمانان ساکن میشیگان به این نتیجه رسیده که مسلمانان ساکن میشیگان از دینداری بالایی برخوردار بوده‌اند.

فردونی (۱۳۷۲) در تحقیقی توصیفی به «بررسی علل ناتوانی مساجد در جذب جوانان در شهر تهران» پرداخته است. این تحقیق با استفاده از پرسشنامه نظر ۱۲۰ تن از جوانان بین ۱۴ تا ۱۸ ساله حاضر در ۱۲ مسجد در تهران را جویا شده است. طبق این تحقیق علل بازدهی مساجد در جذب جوانان تهران به این قرار ذکر شده‌اند: ۱. وجود برنامه‌های موازی و هم‌عرض برنامه‌های مساجد در سازمان‌های رسمی مانند آموزش و پرورش و صدا و سیما ۲. تغییر ذهنیت مردم نسبت به مساجد پیش از پیروزی انقلاب، به طوری که به گفته محقق قبل از انقلاب مردم هیچ مرکزی جز مسجد را پایگاه اسلام نمی‌دانستند اما اکنون حکومت و مراکز رسمی را در جهت اهداف مسجد مؤثر می‌دانند. ۳. روی آوردن متولیان مساجد مخصوصاً روحانیون به دنیاطلبی و فاصله گرفتن از مردم.

شایگان (۱۳۷۲) در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر گرایش مردم به مسجد در شهر تهران» با روش پیمایشی اطلاعات لازم را از طریق پرسشنامه از ۱۰۰ نمازگزار حاضر در مسجد قدس تهران جمع‌آوری نموده است و به این نتیجه رسیده که میزان استفاده فرد از امکانات و خدمات ارائه شده توسط مسجد بر گرایش مردم نسبت به مسجد تأثیر مثبت دارد و کاهش استقبال عمومی به مساجد در حال حاضر ناشی از تغییر نیازهای مردم و عدم تناسب کارکردی مساجد با نیازهای فعلی مردم است، و در این تحقیق ۳۲/۷ درصد افراد اظهار داشته‌اند که به مسجد نمی‌روند و بیشترین درصد کسانی که به مسجد می‌روند متعلق به مناطق مسکونی متوسط‌نشین هستند.

کمال‌المنوفی (۱۳۷۵) در پژوهش خود تحت عنوان «اسلام و توسعه»، دین را واجد دو بُعد متمایز دانسته که عبارتند از شناخت دینی و رفتار دینی. وی از میان معرفت‌های بعد رفتار دینی، تنها نماز را کافی دانسته، چون معتقد است نماز در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. در پژوهش مذکور، سه بُعد برای دینداری در نظر گرفته شده که عبارتند از: ۱. اعتقادات مذهبی، که از پاسخگویان پرسیده شد که به خداوند، زندگی پس از مرگ، بهشت و جهنم اعتقاد دارند یا خیر. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس سه گویه‌ای

بعد عقیدتی دین معادل ۸۴٪ یعنی در حد بسیار بالا محاسبه گردید.

۲. مناسک مذهبی (بعد رفتار دینی)، از میان کلیه معرف‌های بعد رفتاری دین، نماز انتخاب شد بدین جهت که در دین اسلام، نماز واجد اهمیت زیادی بوده و به عنوان ستون دین محسوب شده است. ضریب اعتبار آلفای کرونباخ مقیاس دوگویه‌ای پایبندی به نماز معادل ۸۵٪ یعنی در حد بسیار بالا محاسبه گردید.

۳. تعهد مذهبی یا اهمیت دین در زندگی، در رابطه با این مورد سؤال شد که خداوند چقدر در زندگی‌تان اهمیت دارد که این بُعد دینداری به صورت همین سؤال در تحقیقات پیمایش جهانی به عنوان شاخص‌های اصلی گرایش دینی مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد.

دین از مؤلفه‌ها و مقولات متعدد و گوناگون تشکیل شده است. شناخت و معرفت، نگرش‌ها، باورها و عقاید، رفتارها و عملکردها و... از ابعاد و اجزای مهم تشکیل‌دهنده دین می‌باشند. «رفتار و عملکرد دینی» یکی از اساسی‌ترین جوانب دین است. عملکرد دینی افراد - آنگاه که برخاسته از نفاق و دورویی نباشد - به نوعی می‌تواند مبین سایر اجرای دینی نظیر ابعاد فوق باشد و بُعد آشکار ابعاد نهان مذکور نیز همان بُعد و جنبه عملکرد و رفتار دینی انسان‌هاست. از طرف دیگر، مقطع نوجوانی که از نظر روان‌شناسی عمدتاً در سنوات بین ۱۲ تا پایان ۱۷ سالگی قرار می‌گیرد، بخش مهم آن در سال‌های اول، دوم و سوم دبیرستان واقع می‌شود و لذا بررسی و تحلیل رفتار دینی افراد - آنهم نوجوانان، خصوصاً نوجوانان دبیرستانی - می‌تواند بیانگر نوع عملکرد دینی نوجوانان در مقطع دبیرستان و وضعیت موجود رفتار دینی آنان در جامعه و میزان انطباق آن رفتار با وضعیت مطلوبی باشد که دین مبین اسلام ترسیم‌کننده آن بوده است و بر همین اساس تا حدی می‌تواند بیانگر شناخت و نگرش و باور دینی آنان نیز باشد. در این تحقیق عمدتاً آن دسته از رفتار و اعمال دینی مرتبط با «فروع دین» که برای نوجوانان دبیرستانی قابل پیاده شدن هستند مد نظر قرار گرفته‌اند.

بر این اساس، سؤال اصلی و کلی تحقیق حاضر آن است که: «وضعیت موجود رفتار و عملکرد دینی نوجوانان دبیرستان‌های کرمان چگونه است؟» بقیه سؤالات تحقیق

نیز از این قرارند:

۱. تا چه میزان بین جنسیت دانش‌آموزان و رفتار دینی آنان رابطه وجود دارد؟
۲. تا چه میزان بین نوع مدرسه دانش‌آموزان و رفتار دینی آنان رابطه وجود دارد؟
۳. تا چه میزان بین پایه تحصیلی دانش‌آموزان و رفتار دینی آنان رابطه وجود دارد؟

روش تحقیق

روش تحقیق به کار گرفته شده در پژوهش حاضر، «روش توصیفی» از نوع همبستگی می‌باشد، زیرا در این روش وقایع و پدیده‌ها آن گونه که هستند بدون دخل و تصرف و دخالت پژوهش‌گر در آنها توصیف و تبیین می‌گردند. از آنجا که در این تحقیق نیز هدف اصلی، بررسی و تبیین عملکرد و رفتار دینی در نوجوانان دبیرستان‌های کرمان آن گونه که هست می‌باشد لذا «روش توصیفی» برای این تحقیق مناسب و مطلوب تشخیص داده شده است.

به طور کلی، تحقیق توصیفی، شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۶، ص ۸۲-۸۱).

تحقیق‌های توصیفی، تجربی نیستند، زیرا با روابط میان متغیرهای دست‌کاری نشده در موقعیت‌های طبیعی و نه موقعیت‌های ساختگی سروکار دارند (بست، ۱۹۸۳، ۱۳۷۶، ص ۱۴۲). از طرف دیگر، از آنجا که در این تحقیق میزان رابطه بین متغیرهای جنسیت، نوع مدرسه و پایه تحصیلی با رفتار دینی نیز سنجیده و اندازه‌گیری شده است لذا از روش همبستگی - که می‌تواند زیرمجموعه‌ای از روش توصیفی نیز به حساب آید - استفاده گردیده است. جامعه آماری در این تحقیق، نوجوانان سال‌های اول، دوم و سوم دبیرستان‌های شهر کرمان می‌باشند، که از بین آنان نمونه مورد نظر انتخاب شده است. جامعه آماری مشتمل بر ۹۴ دبیرستان (۵۰ دبیرستان دخترانه و ۴۴ دبیرستان پسرانه) از نوع دولتی (عادی - دولتی)، نمونه دولتی، تیزهوشان و شاهد و غیرانتفاعی بوده که با روش نمونه‌گیری سیستماتیک (منظم) تعداد ۲۷ دبیرستان دخترانه و پسرانه دولتی (عادی

دولتی، نمونه دولتی، تیزهوشان و شاهد) و غیرانتفاعی از بین آنها انتخاب گردیده است. لازم به ذکر است که لیست اسامی دبیرستان‌های کرمان توسط اداره کل آموزش و پرورش کرمان در اختیار پژوهش‌گر قرار گرفت و سپس تعداد ۲۷ دبیرستان فوق با روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شد. سپس با روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۱۵ نفر از دانش‌آموزان هر مدرسه جهت پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه انتخاب گردیدند.

تعداد کل دانش‌آموزان در نمونه انتخاب شده فوق معادل ۴۰۵ نفر در نظر گرفته شد، یعنی ۱۵ نفر از هر مدرسه که از ۱۵ نفر مذکور، ۵ نفر در کلاس اول، ۵ نفر کلاس دوم و ۵ نفر در کلاس سوم دبیرستان بوده‌اند، از ۴۰۵ پرسشنامه فوق، تعداد ۲۹۲ پرسشنامه برگشت داده شد و داده‌های آنها تحلیل گردید.

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، «پرسشنامه» می‌باشد. سؤالات پرسشنامه از نوع «بسته» می‌باشند. از طریق سؤالات بسته می‌توان پاسخ‌های دقیقی را برای یک‌سری موارد و سؤالات از قبل تعیین شده مشخص ساخت و پاسخ‌هایی را در مورد رفتار دینی افراد در مورد امور مورد توجه اسلام نظیر نماز، امر به معروف و نهی از منکر روزه و غیره را دریافت داشت.

«روایی» اصطلاحی است که به هدفی که آزمون برای تحقق بخشیدن به آن درست شده است، اشاره می‌کند. به سخن دیگر، آزمونی دارای روایی است که برای اندازه‌گیری آنچه مورد نظر است، مناسب باشد. برای مثال یک آزمون پیشرفت تحصیلی ریاضی کلاس پنجم دبستان در صورتی یک آزمون «روا» است که محتوا و هدف‌های آن درس را به خوبی اندازه‌گیری کند و به جز یادگیری دانش‌آموزان از آن درس چیز دیگری را شامل نباشد. به عنوان مثالی دیگر از روایی، یک آزمون هوش روا، آزمونی است که تنها هوش افراد را اندازه‌گیری کند نه چیز دیگر را (سیف، ۱۳۷۶، ص ۳۷۹).

به منظور تعیین «روایی» سؤالات پرسشنامه در این تحقیق به ۵ نفر از اساتید صاحب‌نظر دانشگاه شهید باهنر کرمان که دارای تحصیلات دانشگاهی و یا حوزوی بالایی بودند مراجعه شد. نهایتاً روایی کل پرسشنامه معادل ۸۴ / ۰ محاسبه و تعیین شد.

اعتبار یا پایایی یک وسیله اندازه‌گیری به دقت آن اشاره می‌کند. یک آزمون در صورتی دارای پایایی است که اگر آن را در یک فاصله زمانی کوتاهی چندین بار به گروه واحدی از افراد بدهیم نتایج حاصل نزدیک به هم باشند. رابطه بین روایی و پایایی از این قرار است که یک آزمون باید پایا باشد تا بتواند روا باشد. اگر آزمونی در هر بار اجرا بر روی تعدادی دانش‌آموز نتایج مختلفی به دست بدهد، آن آزمون یک آزمون پایا نخواهد بود و در واقع هیچ‌چیز را به درستی اندازه نخواهد گرفت، و اگر یک آزمون چیزی را به درستی اندازه‌گیری نکند هیچ اطلاع مفیدی به ما نخواهد داد (سیف، ۱۳۷۶، ص ۴۰۸).

به منظور تعیین اعتبار یا پایایی پرسشنامه این تحقیق، پرسشنامه برای پاسخگویی در اختیار ۱۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان قرار داده شد و پس از حدود ۱۰ روز مجدداً همان پرسشنامه به منظور پاسخ دادن در اختیار آنان قرار گرفت، یعنی در این تحقیق از (روش بازآزمایی) به منظور تعیین اعتبار استفاده شد. با استفاده از فرمول ضریب همبستگی اسپیرمن، اعتبار کل پرسشنامه معادل ۹۵/۰ محاسبه و تعیین گردید.

در این تحقیق به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از جدول‌های توزیع فراوانی مطلق و فراوانی نسبی افراد مورد مطالعه برحسب متغیرهای مورد نظر یعنی نوع مدرسه، جنسیت، پایه تحصیلی و... استفاده شده است تا آنکه بدین ترتیب، تعداد افراد نمونه با توجه به هر کدام از متغیرهای تعدیل‌کننده فوق به تفکیک مشخص و نشان داده شود. از جداول فراوانی مطلق و فراوانی نسبی پاسخ‌های سؤالات مربوط به هر کدام از ۹ سؤال (۶ مقوله) طراحی شده نیز استفاده گردید تا آنکه نظرات هر کدام از پاسخگویان در مورد رفتار دینی به تفکیک در جداول مربوطه مشخص و ذکر شود.

ضمناً از آزمون ضرایب همبستگی اسپیرمن و پیرسون به منظور کشف میزان ارتباط هر کدام از متغیرهای جنسیت، نوع مدرسه و پایه تحصیلی دانش‌آموزان با رفتار دینی آنان و همچنین شناسایی میزان ارتباط هر کدام از رفتارهای دینی با یکدیگر استفاده شده است. لازم به ذکر است که داده‌های مربوطه به کامپیوتر وارد و برای تجزیه و تحلیل آنها از نرم افزار آماری spss استفاده گردید.

جدول ۱- فراوانی مطلق و درصد فراوانی سؤالات مختلف

سؤال	کاملاً موافق		موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	جمع کل
۱. اگر دوستم نماز نخواند و امیدی هم به اصلاح او نرود دوستیم را با او قطع می‌کنم.	فراوانی مطلق	۷۰	۵۷	۷۷	۶۲	۲۵	۲۹۱
	درصد فراوانی	۲۴/۱	۱۹/۶	۲۶/۵	۲۱/۳	۸/۶	۱۰۰
۲. دوستانم را از بین کسانی انتخاب می‌کنم که دیندارترند.	فراوانی مطلق	۱۲۰	۸۴	۶۹	۱۱	۷	۲۸۱
	درصد فراوانی	۴۱/۲	۲۸/۹	۲۳/۷	۳/۸	۲/۴	۱۰۰
۳. نمازهای پنج‌گانه را بجا می‌آورم.	فراوانی مطلق	۱۶۳	۸۱	۳۰	۱۰	۷	۲۸۱
	درصد فراوانی	۵۶/۰	۲۷/۸	۱۰/۳	۳/۴	۲/۴	۱۰۰
۴. ماه رمضان در صورتی که عذر نداشته باشم، روزه می‌گیرم.	فراوانی مطلق	۲۰۰	۶۲	۱۵	۹	۶	۲۹۲
	درصد فراوانی	۶۸/۵	۲۱/۲	۵/۱	۳/۱	۲/۱	۱۰۰
۵. با گناهکارانی که امید به اصلاح آنان نمی‌رود، با سیمایی عبوس و خشمگین برخورد می‌کنم.	فراوانی مطلق	۴۵	۴۸	۹۶	۶۰	۲۸	۲۷۷
	درصد فراوانی	۱۶/۲	۱۷/۳	۳۴/۷	۲۱/۷	۱۰/۱	۱۰۰
۶. اگر راننده تاکسی موسیقی مبتذل بگذارد، دوستانه به او تذکر می‌دهم.	فراوانی مطلق	۳۳	۷۰	۹۶	۴۱	۵۲	۲۹۲
	درصد فراوانی	۱۱/۳	۲۴/۰	۳۲/۹	۱۴/۰	۱۷/۸	۱۰۰
۷. اگر یکی از خویشانم بدون دلیل روزه نگیرد، او را متذکر می‌سازم.	فراوانی مطلق	۶۸	۹۷	۸۴	۳۰	۱۳	۲۹۲
	درصد فراوانی	۲۳/۳	۳۳/۲	۲۸/۸	۱۰/۳	۴/۵	۱۰۰
۸. در صورتی که شاهد ارتکاب گناهی توسط دیگران باشم، اگر هیچ کار نتوانم انجام دهم، دردل ناراحتم.	فراوانی مطلق	۱۰۸	۹۸	۵۱	۱۱	۷	۲۷۵
	درصد فراوانی	۳۹/۳	۳۵/۶	۱۸/۵	۴/۰	۲/۵	۱۰۰
۹. اگر در مجلسی غیبت شود سعی می‌کنم به نحوی از ادامه غیبت جلوگیری کرده یا به غیبت گوش نداده و یا از مجلس خارج شوم.	فراوانی مطلق	۳۴/۰	۴۷	۶۱	۱۶	۲۰	۲۵۹
	درصد فراوانی	۳۴	۲۸/۶	۲۳/۶	۶/۲	۷/۷	۱۰۰

بحث

همان‌طور که در قسمت نتیجه‌گیری بیان گردید، رفتار دینی ۷۱ درصد از دانش‌آموزان، خوب و خیلی خوب بوده (با توجه به ۹ مورد مطرح شده) و فقط رفتار دینی ۲۹ درصد آنان خیلی بد، بد و متوسط بوده است.

طالبان (۱۳۷۷) نیز در تحقیق خود با عنوان «سنجش دینداری جوانان» که در مورد دانش‌آموزان سال اول، دوم و سوم دبیرستان‌های تهران انجام شده، این نکته را تأیید نموده است که از هر شاخصی که برای دینداری استفاده کنیم، نه تنها دینداری و تعلق مذهبی جوانان نمونه تحقیق بحرانی و اسفناک نبوده، بلکه اکثریت مطلق آنان واجد تعلقات دینی بالایی هستند، به طوری که تنها اقلیت بسیار ناچیزی از پاسخگویان (۲/۶ درصد) دینداری ضعیفی دارند، و درمقابل، اکثریت قابل توجهی از نوجوانان نمونه تحقیق (حدود ۸۳ درصد) دینداری‌شان قوی ارزیابی شده است.

همچنین سراجزاده (۱۳۷۷) در پژوهش خود با عنوان «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی» که در مورد دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان انجام شده، بیان می‌دارد که می‌توان با احتیاط علمی (روش‌شناسانه) پذیرفت که یافته‌های تحقیق وی، از طرفی نشان‌دهنده مقبولیت و عمومیت باورها و عواطف دینی در بین جوانان جامعه و از طرف دیگر نشان‌دهنده گسترش تمایلات شخصی‌تر نسبت به دین در بین آنان است که می‌تواند منجر به کاهش نفوذ نگرش‌ها و نهادهای سنتی و دینی بر آنها و به تبع آن در بین جامعه گردد. هم میانگین و هم فراوانی دینداری در تحقیق مذکور گویای آن است که دانش‌آموزان دبیرستان‌های حاضر در نمونه، در مجموع دارای گرایش‌ها و علائق دینی بالایی هستند. در حالی که نمرات دینداری گروه کوچکی (۴/۲ درصد) پایین بود، نمرات ۴۵/۸٪ متوسط و نیمی از نمونه دارای نمرات بالایی بودند، میانگین نمره دینداری کلی هم ۳/۵۷ از ۵ بود.

در تحقیق حاضر (عوامل مرتبط با رفتار دینی دانش‌آموزان کرمان) این نتیجه حاصل گردید که ۸۳/۸٪ دانش‌آموزان نماز می‌خوانند، ۸۹/۷٪ روزه می‌گیرند، ۷۰/۱٪ تولی را رعایت می‌کنند، ۲۸/۵٪ تبری را رعایت می‌کنند، ۳۳/۷٪ امر به معروف می‌کنند، ۶۲/۷٪ دانش‌آموزان نهی از منکر می‌کنند و در مجموع ۶۹/۲٪ رفتار دینی مطلوب دارند. لذا به غیر از تبری و امر به معروف رفتار دینی مطلوب در دانش‌آموزان وجود دارد.

محقق مذکور بیان می‌دارد که براساس نتایج به دست آمده از تحقیق، به طور کلی می‌توان گفت که در دو بُعد لطیف‌تر دینداری که ناظر به اصول اعتقادات دینی (مثل اعتقاد به خدا، نبوت، معاد و غیره) و نیز عواطف دینی شخصی (مثل احساس نوعی

ارتباط با موجودات مقدس متعالی) هستند، نوجوانان مورد مطالعه دیندارتر بودند. در این دو بعد گرایش دینی نوجوانان مورد مطالعه به نحو چشمگیری بالا بود. در دو بعد دیگر یعنی بعد مناسکی و پی‌آمدی که ناظر به کار بردن دین در زندگی اجتماعی و انجام مراسم عبادی فردی و شرکت در مراسم عبادی جمعی هستند، نمره دینداری پاسخگویان کمتر بود. در بعد مراسم عبادی هم، عدم شرکت در مراسم جمعی دینی علت اصلی کاهش نمره دینداری آنهاست، زیرا اکثریت افراد اظهار داشته‌اند که عبادات دینی فردی (نماز یومیه، روزه و...) را کم و بیش به جای می‌آورند؛ در حالی که قریب ۹۰ درصد آنها در مراسم جمعی عبادی (نماز جمعه، جماعت و...) هرگز شرکت نمی‌کنند و یا بندرت شرکت می‌کنند. لذا بنا به قول محقق می‌توان اظهار داشت که نمرات دینداری پاسخگویان در ابعاد مختلف دینداری کاملاً متفاوت است، به طوری که التزام پاسخگویان در بعد اعتقادات دینی قوی‌تر از سایر ابعاد بوده و بعد از آن عواطف دینی قرار داشته است. در این دو بُعد تقریباً همه پاسخگویان یا در گروه بالا (۸۲٪) و یا در گروه متوسط (۱۰/۹٪) برای اعتقادات دینی و ۱۶/۸٪ برای عواطف دینی قرار داشتند. میانگین نمره پاسخگویان در بُعد اعتقادی و بُعد عاطفی به ترتیب ۴/۳۶ و ۴/۲۲ از ۵ بوده است. در حالی که میانگین بعد پی‌آمدی و بعد مناسکی به میزان چشمگیری کمتر و به ترتیب ۳/۱۹ و ۲/۵۰ از ۵ می‌باشد.

اما صباغ‌پور (۱۳۷۲) براساس نمونه‌ای که از ۲۲۲ دانش‌آموز انتخاب شده بود، در تحقیقی که برای نگرش دینی سه بعد تعریف شده است: «دانش، احساسات و آمادگی برای عمل»، گزارش می‌کند که پاسخگویان از نظر دینداری در سطح بسیار پایینی قرار داشتند، به طوری که ۶۵ تا ۹۷ درصد آنها در سه بعد نگرش دینی در مقوله پایین قرار گرفتند. این نتیجه‌گیری غیرعادی ممکن است ناشی از به کار بردن معیار سخت‌گیرانه در تعریف دینداری باشد. به علاوه فقدان تبیین دقیق روش تحقیق و ابهام سنجه دینداری به کار رفته در آن، روایی سنجه به کار رفته را به شدت زیر سؤال می‌برد. پور یوسفی (۱۹۸۴) نمره بالایی برای نمونه خود که متشکل از دانشجویان مسلمان مشغول به تحصیل در دانشگاه میشیگان آمریکا بودند، گزارش می‌کند.

یحیی (۱۹۸۸) در تحقیق خود گزارش می‌کند که نسبت بالایی از پاسخگویانش که مسلمانان ساکن میشیگان بودند، خیلی دیندار یا دیندار طبقه‌بندی شدند.

سراج‌زاده (۱۳۷۷) در پژوهش خود افرادی را که با گرفتن روزه در ایام ماه رمضان (در صورت مریض و مسافر نبودن) کاملاً موافق و موافقت، معادل ۶۸/۸٪ بیان نموده است و در تحقیق حاضر نوجوانان دبیرستان که با روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان (در صورت عدم بیماری و مسافر نبودن) کاملاً موافق و موافقت، معادل ۸۹/۷٪ به دست آمده است. به همین ترتیب سراج‌زاده (۱۳۷۷)، افرادی را که با خواندن قرآن حداقل روزی یکبار و یا هفته‌ای یکبار کاملاً موافق و یا موافقت، معادل ۳۲/۲٪ گزارش کرده است. همچنین سراج‌زاده (۱۳۷۷) کسانی را که هر روز نماز می‌خوانند، معادل ۴۲/۵٪ و کسانی را که روزهای تعطیل نماز می‌خوانند، معادل ۱۷/۹٪ گزارش کرده است، اما در تحقیق حاضر افرادی که نظر داده‌اند با خواندن نماز کاملاً موافق و یا موافق می‌باشند، معادل ۸۳/۸٪ بدست آمده است. اختلاف بین ارقام و درصدهای به دست آمده در این تحقیق را با تحقیق سراج‌زاده احتمالاً می‌توان به انجام دو تحقیق مذکور در «کرمان» و «تهران» و اختلاف بین عملکرد و رفتار دینی نوجوانان در کرمان و تهران نسبت داد. از طرف دیگر، این احتمال نیز وجود دارد که اختلاف بین سنین پاسخگویان در دو تحقیق فوق عامل مؤثری در این زمینه باشد، زیرا در این تحقیق، علاوه بر دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان، دانش‌آموزان سال اول و دوم دبیرستان نیز که سنوات کمتری از سن تکلیف آنان می‌گذرد و هنوز مسائل دینی برای آنان تازگی بیشتری دارد و تأثیرات منفی کمتری از عوامل پیرامون خود پذیرفته‌اند نیز در نمونه آماری مورد تحقیق قرار گرفته‌اند.

طالبان (۱۳۷۷) پابندی به نماز به طور کامل را در مورد نوجوانان مورد تحقیق خود معادل ۵۵/۴٪ و پابندی به نماز به طور نسبی را معادل ۲۸/۹٪ گزارش می‌کند. جالب اینجاست که در تحقیق طالبان، نمونه آماری مورد تحقیق شامل دانش‌آموزان سال‌های اول، دوم و سوم دبیرستان‌های تهران بوده و آمار کسانی که پابندی خود را به طور کامل و یا نسبی به نماز بیان داشته‌اند، مجموعاً معادل ۸۴/۳٪ گردیده است و تنها ۱۵/۷٪ نوجوانان پاسخگو، هیچ‌گونه تقید و پابندی به نماز را اظهار نداشته‌اند. نکته

قابل توجه در تحقیق طالبان آن است که ۹۲/۶ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که به خدا اعتقاد دارند و ۸۴/۹ درصد آنان اظهار داشته‌اند که به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارند، اما فقط ۵۵/۴ درصد آنان پایبندی کامل خود را به نماز اظهار داشته‌اند. در همین ارتباط یکی از نکات قابل توجه در تحقیق سراج‌زاده (۱۳۷۷) چنین است: نوجوانانی که اعتقاد خود را به اینکه قرآن کلام خداوند است و هرچه می‌گوید، حقیقت محض است، معادل ۹۲/۶ درصد گردیده، اما ۱۳/۸ درصد از همین نوجوانان اظهار داشته‌اند که حداقل روزی یکبار قرآن می‌خوانند و ۱۸/۴ درصد از آنان بیان داشته‌اند که هفته‌ای یکبار قرآن می‌خوانند.

از طرف دیگر در تحقیق مذکور ۸۷٪ نوجوانان پاسخگو، مراتب اطمینان خود را از وجود خدا بیان داشته‌اند و ۶۶/۸ درصد از آنان با این نظر موافق بوده‌اند که بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنند زندگی‌شان پوچ و بی‌هدف است و ۸۵/۷ درصد اظهار داشته‌اند که در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود، اما علی‌رغم چنین اعتقادی ۶۷/۸٪ از آنان اظهار داشته‌اند که به نظر می‌رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی‌توان در جامعه امروزی اجرا کرد، از طرف دیگر فقط ۴۲/۵٪ از آنان بیان داشته‌اند که هر روز نماز خود را برپا می‌دارند و فقط ۴۵/۵ درصد آنان اعلام داشته‌اند که در صورت عدم بیماری و یا مسافر نبودن، تمام روزه‌های ماه مبارک رمضان را می‌گیرند. علی‌رغم آنکه ۴۲/۵ درصد آنان بیان داشته‌اند که نماز خود را هر روز برپا می‌دارند اما ۷۰/۸ درصد آنان اظهار داشته‌اند که بندرت در نماز جمعه شرکت می‌کنند.

نکته درخور اهمیت در هر دو تحقیق مذکور، فاصله نسبتاً زیادی است که بین «اعتقادات پاسخگویان به خداوند، معاد، قرآن» و «رفتار دینی آنان» مثلاً در مورد «اقامه نماز، روزه گرفتن و قرآن خواندن» وجود دارد. به نظر می‌رسد که این خود تحقیق مستقلاً را می‌طلبد که بتواند به گونه‌ای قانع‌کننده چنین تناقضی را توجیه نماید؛ اما ظاهراً به نظر می‌رسد این اندازه که در جامعه ما عدم اعتقاد به خدا و قیامت، زشت و نازیبا معرفی و قلمداد شده است، عدم دقت در اقامه نماز و یا روزه گرفتن زشت معرفی نشده و از طرف دیگر تبلیغ و معرفی بسیار زیبا و شایسته‌ای از مقولاتی نظیر

نماز، روزه و... صورت نگرفته، به گونه‌ای که در نوجوانان معرفت و شناخت حقیقی و لذا عشق و محبت واقعی نسبت به موارد مذکور ایجاد گردد، همچنین غلبه بر موانعی نظیر کاهلی، سستی، گریز از فعالیت که برای انجام هر فعالیت دینی لازم است و در نوجوانان این غلبه، نیرو و توان بیشتری را نیز می‌طلبد، ممکن است بتواند از جمله عوامل مؤثر در این زمینه باشد.

در هر صورت، مسأله قابل تأمل در تحقیقات مذکور آن است که درجه اعتقادی نوجوانان به مقوله دین بسیار خوب است؛ اما رفتار دینی آنان درجه پایین‌تری را نسبت به سطوح اعتقادات آنان نشان می‌دهد، لذا این احتمال می‌رود که با الهام گرفتن و استفاده از مراتب اعتقادی آنان بتوان به بهبود عملکرد دینی آنان امیدوار بود.

طالبان (۱۳۷۷) بیان می‌دارد که تنها اقلیت بسیار ناچیزی از پاسخگویان (۲/۶ درصد) دینداری ضعیفی دارند که در این میان نسبت دختران اندکی بیش از پسران است (۲/۸ درصد برابر ۲/۴ درصد). در مقابل، اکثریت قابل توجهی از جوانان نمونه تحقیق (حدود ۸۳ درصد) دینداری‌شان قوی ارزیابی شده که در این میان نسبت پسران بیش از دختران بوده است (۸۵/۸ درصد در مقابل ۷۹/۹ درصد). به طور دقیق‌تر در مورد هر کدام از مؤلفه‌هایی که بیانگر دینداری پاسخگویان می‌باشد، یافته‌های تحقیق مذکور نشان می‌دهد که نسبت دختران در مورد اعتقاد به خدا بیش از پسران است (۹۳/۴ درصد در مقابل ۹۱/۷ درصد). اما نتیجه آزمون مجذور کای نشان‌دهنده عدم تفاوت آماری بین دو گروه دختران و پسران بوده است ($p=0/61$) که خود نشان‌دهنده این واقعیت است که میزان اعتقاد به خداوند در بین جوانان جمعیت تحقیق مستقل از جنسیت آنان است. از طرف دیگر یافته‌های تحقیق فوق نشان می‌دهد که نسبت پسران در مورد اعتقاد به زندگی پس از مرگ اندکی بیش از دختران است (۸۶/۴ درصد در مقابل ۸۳/۵ درصد). اما نتیجه آزمون آماری مجذور کای نشان می‌دهد که اعتقاد به زندگی پس از مرگ ارتباطی با جنسیت پاسخگویان نداشته است ($p=0/53$)، و نسبت پسران در مورد اعتقاد به بهشت و جهنم نیز بیش از دختران بدست آمده است (۸۶/۷ درصد در مقابل ۸۲/۲ درصد). اما نتیجه آزمون آماری مجذور کای نشان‌دهنده عدم تفاوت آماری میان گروه نوجوان دختر و پسر است ($P=0/12$). نسبت دختران پایینند

به نماز بیش از پسران بدست آمده (۲۰/۱ درصد در مقابل ۱۰/۶ درصد). نتیجه آزمون آماری مجذور کای (۱۶/۳۷) نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده بین دو گروه نوجوانان دختر و پسر کاملاً معنادار است ($P=۰/۰۰۰۳$)، و پابندی و تقید به نماز با متغیر جنسیت ارتباط کاملاً معنی‌داری دارد. نسبت پسرانی که تعهد مذهبی دارند یا دین را در زندگی مهم می‌دانند بیش از دختران بدست آمده است (۹۴/۱ درصد در مقابل ۹۲/۱ درصد).

سراج‌زاده (۱۳۷۷) نیز در تحقیق خود نتیجه می‌گیرد که با آنکه الگوی توزیع پاسخگویان از نظر نمرات دینداری در مناطق چهارگانه تقریباً یکسان بوده اما گرایش دینی افراد ساکن در مناطق شمالی براساس معرف دینداری به کار رفته در پژوهش، اندکی کمتر از افراد ساکن در مناطق جنوب شهر بوده است. درحالی‌که ۱/۴ درصد از افراد دارای منزلت اجتماعی پایین، از نظر گرایش دینی ضعیف و ۵۴/۸ درصد آنان قوی بودند، این نسبت‌ها برای افراد دارای منزلت اجتماعی بالا به ترتیب ۱۳/۶ و ۲۵/۴ درصد بوده است. همچنین نتایج تحقیق مذکور در مورد رابطه معکوس طبقه اجتماعی و دینداری با یافته‌های تحقیقی پیمایشی که در سال ۱۳۷۴ در مورد آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در کل کشور انجام شده، هماهنگ است. براساس نتایج آن تحقیق برای شهر تهران، در کلیه سؤالات مربوط به گرایش و رفتار دینی (شرکت در مجالس روضه‌خونی، نماز جماعت، دعای کمیل، رفتن به زیارت، نذر و نیاز کردن و پرداخت فطریه) گرایش طبقات پایین قوی‌تر و رفتارشان فراوان‌تر بوده است (محسنی، ۱۳۷۷). این نتایج حاکی از آن است که الگوی رابطه طبقه اجتماعی و گرایش دینی در جامعه ایران با الگوی مشاهده شده در جوامع غربی متفاوت است، درحالی‌که در ایران طبقات پایین گرایش بیشتری به دین نشان می‌دهند، در جوامع مغرب زمین احتمال گرایش طبقات بالا به دین بیش از طبقات پایین است. این تفاوت را ممکن است بتوان براساس تفاوت محتوای طبقاتی سنت دین مسیحی در مغرب زمین و سنت اسلامی در جوامع مسلمان تبیین کرد (سراج‌زاده، ۱۳۷۷).

در مورد رابطه جنسیت و دینداری سراج‌زاده (۱۳۷۷) بیان می‌دارد که در تحقیق

وی تفاوت اندکی بین دختران و پسران ملاحظه شد. نمره دینداری دختران اندکی بیش از پسران بود. با این وجود این اختلاف از نظر آماری معنادار نبود. معنادار نبودن تفاوت دینداری دختران و پسران مغایر با فرضیاتی است که در این مورد مطالعات انجام شده در مغرب زمین تأیید کرده‌اند که براساس آنها گرایش‌های دینی زنان بیش از مردان است. همچنین براساس گزارش‌های تحقیقی، تفاوت جنسی در دینداری در انگلستان بیش از آمریکا است.

در تحقیق حاضر (عوامل مرتبط با رفتار دینی دانش‌آموزان کرمان) این نتیجه حاصل شد که رفتار دینی با نوع مدرسه و جنسیت دانش‌آموزان رابطه دارد اما بین آنان و پایه تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

منابع

- اپنه‌ایم، الف - الف. ن. (۱۳۶۲). طرح پرسشنامه سنجش نگرش‌ها، ترجمه مرضیه کریم‌نیا، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- اینگلهارد، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- بست، جان. (۱۳۷۴)، روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و نرگس طالقانی، چاپ ششم، تهران: انتشارات رشد.
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع روانشناسی و روانپزشکی، ج ۱، چاپ سوم، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- رستمی گوهری، عصمت (۱۳۸۱)، بررسی رفتار دینی و عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر کرمان پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، کرمان: بخش علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- رونزور، پیرت (۱۳۶۴)، مبانی پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه محمد دادگران، تهران: انتشارات نوآور.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۷)، «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن»، نمایه پژوهش، ش ۸ و ۷، تهران: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۶)، روش‌های اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ویرایش دوم، تهران: انتشارات آگاه.
- سرمد، زهره و عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۷۶)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۷)؛ «سنجش دینداری جوانان»، نمایه پژوهش، شماره ۸ و ۷، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علوان آبادی، سیداحمد (۱۳۵۲)، مقایسه‌ای در طرز فکر مذهبی کلاس سوم دبیرستان‌های

اسلامی و غیراسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.

کمال المنوفی (۱۳۷۵)، *اسلام و توسعه*، تهران: مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی بینش.
کیوی، ادیمون و کاپن هود و لوک وان (۱۳۶۵)؛ *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ دوم، تهران: انتشارات توتیا.
واتسن، دل جی (۱۳۷۷)، «روانشناسی دین در جوامع مسلمین»، *فصلنامه قیاسات*، سال سوم، شماره ۲۳، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
هرسی، پاول و کنت، اچ، بلانچارد (۱۳۷۵)، *مدیریت رفتار سازمانی - استفاده از منابع انسانی*، ترجمه قاسم کبیری، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاه (ماجد).

Alport, G.W.(1935), Attitudes. INC. Murchison(ed), *Handbook of social psychology*, clark, university.

Egly. A.H. Anel Himmelfarb. SL (1978), *Attitudes and opinions Annual Review of psychology*. Standford California: Annual Review.

Resse, E.P. (1978), *Human behavior analysis and affliction* (2 nd ed.), Dubrque, Iowa: WM C. Brown Company.